

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
2011 / 05 / 20
شهر اسن المان



ایزدا ! شکر ترا ، عُقده گشا پیدا شد
شب هجران ، سحر و ، قفل محبت وا شد
در و دروازه فرهنگ و ادب بکشاده
خانه مهر و وفا پُر ز گل معنا شد
نهر آبیکه روان بود ، شدی باز روان
نوبهار آمد و ، هم آخر هر سرما شد
بسی از مادر شیطانہ پرستان بدل
خرق احجاب ، که تا چهره شان بنما شد
خر دجال غضب ، چادر دلال عرب
آنچه یکجا شده کردند ، همه رسوا شد
آخرت بود و ، قیامت به قیام آمد باز
محشری بآلب و دندان ادب ، برپا شد

عرضِ اخلاصِ زمنِ خدمتِ (**استادِ بزرگ**)
 لطف و الطافِ پدرِ نیز از او اهدا شد
 (**پدرِ معنوی**) و ، هم (**پدرِ فرهنگی**)
 (**نیک آئین**) لقبش ، همچو عسل ، احلا شد
 چون (**علمی**) و (**سیدِ افضلی**) و (**برهانی**)
 (**سه برادر**) ز خداوند به من اعطا شد
 حال ، صد حرمت و تکبیر و تحیات و سلام ،
 خدمتِ (**آصفی مسعوده**) ز ما ، اجرا شد
 اسمِ شان گر ز قلم گشته فراموش ، ولی
 مهرِ شان تا به ابد ، در دل و جان امضا شد
 گله از دوست بجا ، شکوه ز اغیار خطا
 معذرت نیز روا ، گربه پذیرش جا شد
 محترم (**واحد احد زاده**) که با صدق و صفا
 شصتِ تایید ، ز حُسنِ نظرش ، بالا شد
 خدمتِ بانوی فرزانه ، (**تمنای عزیز**)
 آنچه دل خواست ، حضورش اثری انشا شد
 (**رفتن و آمدن**) ، (**هدیه ناچیز**) به او
 ثبت در دفترِ احساسِ محبت ها شد
 گرچه لایق نبود ، آنچه رقم ، خدمتِ شان
 خامه شرمنده ، خجل نامه بی پروا شد
 حال یک خواهشی از محضرِ شان است مرا
 که توجه نه به هر بی سر و هر بی پا شد
 به مریضانِ ادب ، خُرده نباید که گرفت
 کوچه خود عوض و ، راه دگر پیمان شد
 زانکه حیفت به هر بی سر و پا داد جواب
 مار را خاصیتِ نیش زدن ، آولا شد
 به جفنگِ جهلا ، عرضِ سلام است ، ز ما
 (**وَ إِذَا خَاطَبَهُمْ**) آیه حق ، گویا شد
 به بیانِ دگری ، پاسُخِ شان خاموشیست
 حیفِ آن لحظه که در فکرِ گپِ آنها شد
 « نعمت » از جمله عزیزان ، تشکر دارد
 که تقاضا و پذیرا ، ز همه کوشا شد